ISSN:2345-2234

Journal of Literary – Qur'anic Researches

http://paq.araku.ac.ir

# An Analysis of Sub-worlds in Surah Yūnus Based on the Theoretical Framework of Paul Werth and Joanna Gavins

**Hossein Elyasi Mofrad[a], Mahmoudreza Tavakoli Mohammadi[b], Hamid Motevalli Zadeh Naeini[c*]**

[a] Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Lorestan University, Iran
[b] Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran
[c] Assistant professor, Department of Arabic Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran

**KEYWORDS**

Holy Qur'an, Surah Yūnus, sub-worlds, Text World Theory, discourse

Received: 09 December 2025;
Accepted: 21 October 2026

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/paq.2026.2080303.4110

**ABSTRACT**

Qur'anic narratives employ a variety of techniques and subtle devices to present a fuller picture of lofty divine concepts to their audiences. Accordingly, rather than presenting a single, incomplete, and one-dimensional world, they construct a diverse, multidimensional, and comprehensive world that enables readers to develop a comprehensive and accurate understanding of various phenomena. Surah Yūnus, the tenth surah of the Holy Qur'an and one of its Meccan chapters, primarily focuses on the call to monotheism, the affirmation of the truths of revelation and resurrection, and warnings about the consequences of human heedlessness. Through its account of the people of Prophet Yūnus and their timely repentance, the surah illustrates divine mercy and the possibility of returning to the right path within the framework of divine laws. It thus conveys the message that, even when confronted with crises and fundamental truths about existence, people can still attain awareness and return to the right path. To articulate its discourse and ideas, the surah draws on multiple worlds embedded within the main world. The concept of sub-worlds, or subsidiary worlds, emerged in the modern era alongside developments in cognitive science and physics and was subsequently developed by theorists such as Paul Werth and Joanna Gavins. Within Text World Theory, three levels are proposed for examining worlds in literary texts, with sub-worlds constituting an important component of this framework. These include three types of sub-worlds: deictic, attitudinal, and epistemic. Using a descriptive-analytical approach and drawing on the categories outlined in sub-world theory, this study examines Surah Yūnus. The findings indicate that sub-worlds are employed in the Qur'an to make seemingly unreal conceptions imaginable, provide access to the inner worlds of narrative characters, facilitate dialogue-centered narration, develop the narrative and render it more comprehensible, and present various hypotheses and possibilities.

* Corresponding author.
E-mail address: h.motevallizadeh@cfu.ac.ir

پژوهش‌های ادبی- قرآنی، دوره ۱۲، شماره ۳، سال ۱۴۰۳، صفحات ۷۴ تا ۸۹

شاپا: ۲۲۳۴-۲۳۴۵

پژوهش‌های ادبی- قرآنی

# تحلیل جهان‌های زیرشمول در سوره یونس بر پایه نظریه پل‌ورث و جوانا گاوینز

حسین الیاسی مفرد[الف]، محمودرضا توکلی محمدی[ب]، حمید متولی‌زاده نائینی[ج*]

[الف] استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، ایران، elyasi.h@lu.ac

[ب] دانشیار آموزش زبان عربی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، Mr.tavakoli@cfu.ac.ir

[ج] استادیار آموزش زبان عربی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، h.motevallizadeh@cfu.ac.ir

**واژگان کلیدی**

**قرآن کریم، سوره یونس، نظریهٔ جهان متن، جهان‌های زیرشمول، گفتمان**

**تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۸**

**تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۷/۲۹**

**مقاله علمی پژوهشی**

**چکیده**

داستان‌های قرآنی از شگردها و ظرافت‌های متنوعی برخوردارند و در پی ثبت تصویر کامل‌تری از مفاهیم بلند آسمانی برای مخاطب هستند؛ در همین راستا آنها نه تنها یک جهان واحد، ناقص و تک‌بُعدی بلکه جهانی متکثّر، چند بُعدی و کامل را برای مخاطب ارائه می‌دهد تا خواننده بتواند فهمی فراگیر و بی نقص از پدیده‌ها داشته باشد. سوره یونس دهمین سوره قرآن کریم و از سوره‌های مکی است که محور اصلی آن دعوت به توحید، اثبات حقایق وحی و معاد، و هشدار به انسان‌ها درباره عواقب غفلت است. این سوره با اشاره به سرگذشت قوم یونس (ع) و توبه به‌موقع آنان، نمونه‌ای شاخص از رحمت و بازگشت‌پذیری در سنت‌های الهی را به تصویر می‌کشد و به مخاطب می‌آموزد که در مواجهه با بحران‌ها و حقایق هستی، همواره راه برای آگاهی و بازگشت به مسیر حق باز است. این سوره برای ترسیم گفتمان و اندیشه خود از جهان‌های مختلفی که در ضمن جهان اصلی می‌گنجد بهره می‌گیرد. بحث جهان‌های زیرشمول یا جهان‌های فرعی که در دوره معاصر همزمان با پیشرفت علوم شناختی و فیزیک مطرح شد توسط نظریه‌پردازانی مانند *پل‌ورث* و *جوانا گاوینز* توسعه یافت. آنها در نظریه جهان متن خود، سه سطح را برای بررسی جهان‌های فرعی در اثر ادبی معرفی می‌کنند که از مهمترین آنها جهان‌های زیرشمول است که از سه جهان فرعی با عنوان جهان اشاره‌ای، نگرشی و معرفت‌شناسی برخوردار است. این مقاله با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس عناوین مورد بحث در نظریه جهان‌های زیرشمول، به بررسی سوره یونس می پردازد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که در قرآن کریم برای امکان تحقق تصوّرات به ظاهر غیر واقعی، ورود به نهانگاه‌های شخصیت‌های داستانی، ایجاد گفتگو و دیالوگ‌محوری، تکمیل و توسعه درک‌پذیر روایت و طرح فرضیه‌ها و احتمالات مختلف از جهان زیرشمول در پیش گرفته شده است.

## ۱. مقدمه

علم شناخت در دوره معاصر با توجه به بررسی حضور فعالانه مخاطب در تولید و تکثیر متن و اهتمام به تجربه‌های ذهنی و جهان‌های فرعی موجب توسعه نقد ادبی شد و نظریه‌های این دانش در تحلیل و نقد کامل و دقیق آثار ادبی به کار آمد. «نظریات شناختی در دوران پسانظریه شکل گرفته و تفاوت آنها با نظریات فلسفی نقد ادبی آن است که در نظریات قبلی طبیعت انسانی دستخوش تاریخ و سیاست و اجتماع می‌شود، به این معنا که اهل نظریه زبان، تاریخ، فرهنگ و ایدئولوژی را در چارچوبی برساخت‌گرایانه عامل شکل‌دهنده ذهن و ضمیر انسان می‌دانند (همدانی، ۱۳۹۹: ۲۵۲). به دیگر سخن «اندیشه تفکّر و رفتار ما از رهگذر تکامل ویژگی‌های شناختی، روانی و اخلاقی شکل می‌یابد و در

* نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیک: h.motevallizadeh@cfu.ac.ir

داروینیسم ادبی، ادبیات و هر رفتار ادبی نوعی انتخاب بهتر برای رسیدن به سازگاری با محیط و دستیابی به تکامل تعبیر می‌شود. از دید پینکر هنر محصول فرعی تکامل است. ذهن با استلال استقرایی به اهدافی که در خدمت سازکاری زیستی است، دست می‌یابد و توانایی تجربه امر متعالی با نگریستن به طرقی تازه را به جهان به ما می‌بخشد» (Pinker, 1998: 525).

نظریه جهان‌متن، تحلیلی نظام‌مند را به ارمغان می‌آورد و متون ادبی و تفسیر آن را محصول ذهن شناخت‌مند می‌داند (راستگو و سلیمی، ۱۳۹۸: ۲۶؛ Barcelona, 2000: 39) و در جهان روایت، با نظریه‌هایی چون جهان ممکن ماری لُر رایان و جهان‌های ذهنی ژیل فوکونیه و ویکتور ترنر قرابت می‌جوید و در همه این نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تأثیرات شناختی فردی یک متن را می‌توان از طریق ابزاراهای موجود تشریح کرد (Winko & Köppe, 2007: 334) و به کمک آن می‌توان به چگونگی جهان‌های متنی فرضی از سوی خواننده پی برد. به عنوان مثال چگونه شخصیت‌ها به طور ذهنی بازنمایی می‌شوند (Jannidis, 2004: 209) و یا اینکه «امکان خوانش‌های جدید را از متن فراهم می‌آورند» (Winko & Köppe, 2007: 308). در مؤلفه جهان‌زیرشمول از نظریه پل‌ورث، امکان جابجایی زمانی و مکانی، نگرشی و معرفت‌شناختی حوزه معنایی جدید را نشان می‌دهد و خواننده در پی کشف و خوانش این حوزه‌های معنایی جدید است.

داستان‌های قرآنی تصویر کاملی از انسان و رفتارهای او ارائه داده است و در ساخت جهانی متکثر و چند لایه در خور توجه است. در این قصه‌ها بحث جهان‌های فرعی در جنب جهان اصلی بازتولید می‌گردد و برای بیان گفتمان‌هایی متعدد همسو با حالت‌های مختلف انسان به کار رفته است. انتخاب سوره یونس برای بررسی مفهوم جهان‌های زیرشمول به دلیل ساختار متکثر و لایه‌بندی‌شده‌ی آن در ترسیم هستی است. این سوره با پیوند زدن ساحت‌های غیبی و شهودی، و همچنین جای‌گذاری دقیقِ روایت‌های تاریخی (نظیر قوم یونس و فرعون) در بستر کلان‌سنت‌های الهی، فضایی منحصربه‌فرد برای واکاوی نظام‌های متداخل وجودی فراهم می‌کند. در واقع، سوره یونس تنها یک روایت خطی نیست، بلکه نظامی از جهان‌های تو در توست که در آن، هر رخداد زمانی در نسبت با «حقیقت غایی» بازتعریف می‌شود. این سوره با به‌کارگیری روایت‌های تاریخی به عنوان شواهد انضمامی، ظرفیت لازم برای تبیینِ نحوه‌ی شمول خرده‌نظام‌های انسانی در چارچوب کلان‌سنت‌های الهی را داراست و به جای ارائه‌ی روایتی تک‌لایه، شبکه‌ای از هستی‌های متداخل را ترسیم می‌کند که در آن، کنش‌های بشری در تلازم منطقی با قوانین لایتغیرِ هستی قرار دارند؛ لذا سوره یونس به دلیل انسجام درونی و غنای ساختاری‌اش، می‌تواند میدانی عملیاتی برای بررسی جهان‌های زیرشمول در آن محسوب شود. بر این اساس، مقاله‌ی پیش‌رو با توجه به این موضوع به بررسی جهان‌های زیرشمول در سوره یونس می‌پردازد تا پاسخی برای دو پرسش ذیل بیابد:

ساختار جهان‌های ممکن در سوره یونس چگونه از طریق تمایز میان زیرجهان‌های معرفتی و زیرجهان‌های نگرشی بازنمایی می‌شود و این تمایز چه نقشی در تقابل میان حق و باطل ایفا می‌کند؟

جهان‌های زیرشمول در سوره یونس با چه هدفی به کار رفته است؟

کدام از سه نوع جهان زیرشمول در سوره یونس از بسامد بالایی برخوردار است؟

### ۱. ۱. روشناسی پژوهش

روش‌شناسی این پژوهش مبتنی بر چارچوب «نظریه جهان‌های ممکن» با تکیه بر الگوی شناختی جهان‌متن ورث و گاوینز است و با رویکردی توصیفی ـ تحلیلی به واکاوی معناشناختی سوره مبارکه یونس می‌پردازد. در این راستا، داده‌های

متنی به‌صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده و متن سوره بر اساس فرآیندهای لایه‌بندی گفتمانی تجزیه و تحلیل می‌شود تا چگونگی شکل‌گیری و پویایی جهان‌های زیرشمول در تقابل یا امتداد با جهان پایه (واقعیت گفتمانی سوره) تبیین گردد. تمرکز اصلی الگوی تحلیلی بر دو حوزه کلیدی قرار دارد: نخست، شناسایی جهان‌های زیرشمول معرفتی که بازنمودگر ساختار باورها، دانش، شک، یقین و نظام‌های اعتقادی کنشگران (اعم از الهی، پیامبران، مؤمنان و مشرکان) هستند؛ و دوم، واکاوی جهان‌های زیرشمول نگرشی که تجلی‌بخش امیال، آرزوها، ترس‌ها، تعهدات و فرمان‌های اخلاقی-کلامی (در قالب جهان‌های آرزویی، خواهشی و تکلیفی) در بستر روایی سوره می‌باشند.

### ۱. ۲. پیشینه پژوهش

در رابطه با سوره یونس پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مقاله (۱۴۰۱)، تمایزسنجی ایمان‌آوری قوم یونس با ایمان‌ناپذیری دیگر اقوام بر اساس تحلیل محتوای مضمونی سوره یونس (ع)، به تحقیق رامین طیاری نژاد. منتشر شده در مجله آموزه‌های قرآنی. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که اقوام تمامی انبیاء به جز حضرت یونس (ع)، تکذیب‌کنندهٔ آیات الهی بودند. مبتنی بر تحلیل‌های کمّی، رویکرد غالب در سورهٔ یونس، اتمام حجت با اقوام تکذیب‌کننده به دو طریق «انذار» و «استدلال‌ورزی» است.

مقاله (۱۴۰۱)، واکاوی آموزه‌های تربیتی سوره یونس (ع) در قرآن و حدیث با تاکید بر نظرات آیت الله جوادی آملی، به قلم فاطمه افراسیابی و دیگران. منتشر شده در مجله قرآن و علوم اجتماعی. نگارندگان در پایان نتیجه گرفتند عجله نداشتن خداوند در مجازات ظالمان به‌دلیل فرصت بازگشت یا اتمام حجت، سازگار نبودن نظام هستی با ظلم، دل‌بسته نبودن به دنیای فانی و استفادهٔ صحیح از فرصت‌ها، لزوم به‌کارگیری نعمت‌های الهی در جهت کمال، انعکاس رفتارهای انسان در دنیا، قرآن به عنوان عاملی برای هدایت و رحمت و شفای بیماری‌ها، نیکو بودن فرح و شادمانی به‌واسطهٔ برخورداری از نعمت وحی و آموزه‌ها و معارف الهی، برخورداری اولیای الهی از کمال و سعادت بشری و توبهٔ به‌موقع که نجات‌دهنده از عذاب الهی است.

مقاله (۱۴۰۳)، تحلیل انتقادی دیدگاه کولوسکا در تفسیر داستان یونس (ع) در قرآن، مطالعه موردی: آیات (۴۸-۵۰) سوره قلم، به تحقیق سید محمد موسوی مقدم و دیگران. منتشر شده در مجله پژوهش‌های اسلامی خاورشناسان. مقاله حاضر با در پیش گرفتن روش توصیفی ـ تحلیلی به نقد و بررسی دیدگاه کولوسکا در باب تفسیر داستان یونس (ع) در سوره قلم پرداخته است. نگارندگان ذیل هر محور، ابتدا به تبیین دیدگاه کولوسکا سپس دیدگاه مفسران مسلمان پرداخته‌اند، و از آن به عنوان معیاری برای نقد و ارزیابی دیدگاه کولوسکا بهره جسته‌اند.

اما موضوع جهان‌های زیر شمول در سوره‌های قرآنی تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته، و تنها در یک پژوهش این مفهوم بررسی و تحلیل شده است که به آن اشاره می‌شود: بررسی کارکردگرایانه جهان‌های زیرشمول در قصه حضرت یوسف (ع) به کوشش شهرام دلشاد و پروانه صالحی که در سال ۱۴۰۳ در مجله مطالعات سبک شناختی قرآن کریم انتشار یافته است. نگارندگان انواع جهان‌های زیرشمول در آیه مذکور را بررسی کرده‌اند، و پژوهش دیگری در این باره انجام نگرفته، و برای نخستین بار است که مفهوم جهان‌های زیرشمول در سوره یونس بررسی می‌شود.

## ۲. تعریف عملیاتی جهان‌های زیر شمول

چهارچوب نظری این پژوهش متأثر از رویکرد شعرشناسی شناختی در زبان‌شناسی و انگاره جهان‌های متن ورث (۱۹۹۹) است. انگاره جهان‌های متن «چارچوبی گفتمانی است، به این معنا که توجه آن نه‌تنها معطوف به متنی خاص است، بلکه به بافت موقعیتی و پیرامون آن که بر تولید و پذیرش آن اثر می‌گذارد نیز توجه می‌کند. هدف این انگاره، تهیه چارچوبی است برای مطالعه گفتمان که عوامل موقعیتی، اجتماعی، تاریخی و روانی در آن دخیل هستند و نقش مهمی در شناخت زبان دارند» (Gavins, 2007: 12).

این نظریه برای اول بار از سوی پل ورث در دهه ۱۹۹۰ میلادی به صورت سلسله مقالاتی مطرح شد که متأسفانه در زمان حیات او منتشر نشد و میک شورت در سال ۱۹۹۹ دستاوردهای ورث را با ویرایش خود منتشر کرد. این نظریه از نظریه‌های فضاهای ذهنی و جهان‌های روایی از منظر روان‌شناسی شناختی در آثار فوکونیه و همچنین جهان‌های ممکن و جهان گفتمان رایان (۱۹۹۱) الهام گرفته است (صادقی، ۱۴۰۰: ۲۳۴). نظریه پل‌ورث که الهام گرفته از آثار فوکونیه و رایان بود، سرانجام توسط دیگران گسترش یافت. استاک‌ول مفهوم وسیع‌تری برای شعر شناختی شناختی قائل است و همه رویکردهایی را که مبتنی بر ابزارهای علم شناخت، چارچوبی برای توصیف متون ادبی قائل می‌شوند، با برچسب شعر شناسی شناختی معرفی می‌کند (استاک‌ول، ۱۳۹۳: ۷۰).

به باور ورث وقتی که جهان متن شکل می‌گیرد، جهان‌های دیگری بر اساس متن اولیه آن شکل می‌گیرند که جهان سوم یا جهان زیر شمول متن است که به باور گاوینر جهان فرعی نیست. وی برای پرهیز از اینکه جهان فرعی نامیده شود، آن را جهان ممکن معنا می‌کند. به باور گاوینز برای ساخت جهان ممکن برای ساخت جهان ممکن و عزیمت از یک جهان به جهان دیگر، دو روش وجود دارد؛ تغییر جهان و جهان‌های وجهی که جهان معرفتی را همان عامل و انگیزه انگاره پنداری جهان متن و نیروی بالقوه برای گذر از جهان ظاهر می‌داند (Gavins, 2007: 12 - 13). در نظریه جهان متن که توسط جوانا گاوینز بسط یافته است، «جهان متن» به عنوان یک مدل شناختی در ذهن مخاطب تعریف می‌شود که از تعامل بین دانش پیشین خواننده و اطلاعات موجود در متن شکل می‌گیرد. گاوینز در این چارچوب، بر اهمیت جهان‌های فرعی (Sub-worlds) «تأکید دارد که به صورت تودرتو درون جهان اصلی متن جای می‌گیرند و شامل جهان‌های احتمالی، جهان‌های اندیشیده شده (مانند باورها و آرزوهای شخصیت‌ها) و یا جهان‌های پیش‌بینانه (آینده‌نگری‌ها) هستند. این ساختار سلسله‌مراتبی به مخاطب اجازه می‌دهد تا میان واقعیتِ روایت و جهان‌های ذهنیِ درون روایت تمایز قائل شود و به درک پیچیده‌تری از کنش‌های گفتمانی شخصیت‌ها دست یابد» (همان: ۱۹).

گاوینز در این رابطه باور دارد که نظریه جهان‌های متن را می‌توان با توجه به انتقادی که ورث به زبان‌شناسی شناختی وارد می‌سازد دریافت. به اعتقاد ورث به رغم ادعای زبان‌شناسی شناختی، مبنی بر تحلیل داده‌های واقعی زبان، بخش اعظم تحلیل‌های زبان‌شناختی موجود، به سطح جمله محدودند. ورث معتقد است که بافت، مبنای درک پیچیدگی‌های گفتمان است. به همین سبب او بر این باور است که داده‌های زبانی را باید از متن در مفهوم گسترده آن و نیز متن واقع در بافت اجتماعی و فرهنگی، که تولید و دریافت متن در آن صورت می‌گیرد، مورد بررسی قرار داد» (همان: ۱۸). در واقع جملات، واژگان و واحدهای زبانی و همچنین دیگر ویژگی‌های سبکی و توصیفی اثر در پایه این نظریه می‌بایست در قالب یک مفهوم و بافت گسترده مورد بررسی قرار گیرد. لازم به ذکر است نظریه پل ورث از سه محور تشکیل شده است: جهان گفتمان، جهان متن و جهان زیرشمول.

سومین محور در نظریه جهان متن را جهان‌های زیرشمول یا جهان‌های فرعی تشکیل می‌دهند. در این رویکرد «شکل‌گیری مرزهای جهان متن منجر به ایجاد مرزهای جهان گفتمان می‌شود و در پی آن، دیگر لایه مفهومی نظریه جهان متن شکل می‌گیرد که جهان‌های زیر شمول یا فرعی نام دارند» (Werth, 1999: 224) وقتی که جهان متن شکل می‌گیرد و گسترش پیدا می‌کند، جهان‌های بی‌شمار دیگری بر اساس آن متن اولیه یا پایه شکل می‌گیرند که سطح سوم تلقی می‌شود. این نوع جهان را ورث زیرشمول می‌نامند. گاوینر عزیمت از یک جهان به جهان دیگر را که باعث ایجاد جهان جدیدی می‌شود، چه به صورت تغییرات در کانون توجه و چه به صورت تغییرات وجهی باشد، جهان‌ممکن می‌نامد. به باور گاوینز برای ساخت جهان ممکن دو روش وجود دارد که عبارتند از: تغییر جهان، و جهان‌های وجهی. جهان وجهی خود به سه دسته الزامی، آرزویی و معرفتی تقسیم می‌شود. اما ورث جهان ممکن را جهان‌زیرشمول می‌نامند و آن را به سه نوع فعالیت مفهومی مرکزی تقسیم می‌کند که عبارت است از جهان اشاری، جهان نگرشی و جهان معرفتی. (صادقی، ۱۴۰۰: ۲۴۹). این سه جهان مجموعاً جهان‌های زیرشمول و فرعی یک متن را تشکیل می‌دهد و بر چگونگی تولید و تکثیر جهان‌های فرعی با استفاده از سازوکارهای مشخص در ضمن جهان اصلی دلالت دارد. این جهان‌ها در ادامه و در بررسی سوره حضرت یونس علیه‌السلام معرفی و تحلیل خواهند شد.

### ۲. ۱. تفکیک جهان‌های زیر شمول

مطابق با مبانی نظریه جهان‌متن جهان‌های زیرشمول ساختارهای معنایی ثانویه‌ای هستند که بر اثر انحراف از جهان پایه یا جهان‌متن اصلی پدید می‌آیند و فرآیند پردازش اطلاعات در متن را مدیریت می‌کنند (Gavins, 2007: 77). این جهان‌ها بر اساس کارکرد شناختی‌شان به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند؛ نخست، جهان‌های زیرشمول معرفتی که وضعیت دانش، باور، یقین یا تردید کنشگران را بازنمایی می‌کنند (همان: ۱۰۴)؛ دوم، جهان‌های زیرشمول نگرشی که بر اساس طبقه‌بندی ورث (Werth, 1999: 235)، خود به دو زیرشاخه مهم تفکیک می‌شوند: جهان‌های بولیامیک که متمرکز بر امیال، آرزوها و خواسته‌های کنشگران هستند و جهان‌های دئونتیک که دربرگیرنده تعهدات، الزامات، قوانین و فرمان‌های اخلاقی یا شرعی می‌باشند. در نهایت، جهان‌های بازنمود قرار دارند که از طریق نقل‌قول‌ها، گزارش‌های رویا یا بازنمایی‌های ذهنی کنشگران، بخشی از روایت یا گفتمان را به حوزه‌ای فراتر از زمان و مکان حال متن انتقال می‌دهند (Gavins, 2007: 120).

## ۳. بررسی و تحلیل سوره

سوره یونس به عنوان یک کلّ متنیِ منسجم، ساختاری تک‌لایه ندارد، بلکه بستری برای تلاقی و هم‌نشینی ساحت‌های مختلف است. برای تبیینِ علمیِ این ساختار چندبعدی، نظریه جهان‌های زیرشمول ابزاری کارامد است که با تفکیک جهان‌های مختلف و پرده برداشتن از لایه‌های عمیق متن سوره، به درک درست و رهیافتی عمیق از آن کمک می‌کند. لذا، برای این منظور در این بخش از این پژوهش، سوره یونس مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد، و انواع جهان‌های زیرشمول بر مبنای الگوی ورث و گاوینز مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

### ۳. ۱. جهان زیرشمول اشاره‌ای

اولین جهان زیرشمول در نظریه پل ورث جهان اشاره‌ای است. این جهان از دو مشخصه بنیادی برخوردار است.

نخست «کاربرد نقل قول مستقیم به جای نقل قول غیرمستقیم که به ایجاد جهان زیرشمول عبارت اشاره‌ای منجر می-شود» (استاک‌ول، ۱۳۹۳: ۱۴۰) زیرا با کاربرد نقل قول‌های دیگران بستری جدید در متن اصلی که جهان اصلی است شکل می‌گیرد. در این راستا هرگاه یک شرکت‌کننده گفتمان یک جهان جزئی ایجاد کند که با پارامترهای فضایی و زمانی جهان واقعی تطابق ندارد، مشارکت آنها لازم است یک ساختار جدید اشاره‌ای که در آن نقطه مبدأ از مفهوم خود در این جا تغییر کرده و جهان دیگری را مفهومی سازی می‌کند (Gavins, 2007: 42). این نوع از جهان زیرشمول کاربرد فراوانی در سوره یونس دارد و خداوند در راستای ایجاد فضایی چند بُعدی در سوره و ضرورت بازنمایی تمایی صداها از این جهان بهره گرفته است. صدای کافران در همان آغاز سوره در آیه دوم منعکس شده است. به عنوان مثال خداوند می‌فرماید: (أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ) (یونس: ۲)؛ ترجمه: «آیا برای مردم شگفت آور است که به مردی از خودشان وحی کردیم که مردم را بیم ده و به کسانی که ایمان آورده اند مژده ده که برای آنان نزد پروردگارشان سابقه نیك است کافران گفتند این [مرد] قطعا افسونگری آشکار است».

در اینجا جهانی اصلی مبتنی بر تشریح هویّت رسول الله تبیین شده است و اینکه چگونه پیامبر قدم صدق یعنی سابقه نیک نزد پروردگار و فردی از جنس خودشان است. «قدم صدق بشارتی از جانب خداوند است که ساختاری کاملاً متفاوت از سایر اخبار خوش الهی دارد و تنها در آیه ۲ سوره یونس آمده است. مفسران دیدگاههای متعدد، متشابه و در برخی موارد متفاوت از یکدیگر درباره آن بیان کرده‌اند؛ آرائی همچون پاداش نیک، سابقه نیکو، مقام و منزلت، ولایت، شفاعت» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج۴: ۱۳۰). این جهان با ویژگی منحصر به فرد آن توسط جهان فرعی اشاره‌ای نقض شده است و آن جهانی است که از سوی کافران و نقل قول مستقیم بیان شده است. در گفتار کافران جهانی متمایز با آن بیان شده و اتهامی ناهماهنگ با جهان نخست درباره پیامبر ارائه شده است. همچنین در آیه زیر می‌گوید: (وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ) (یونس: ۱۵)؛ ترجمه: «و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود آنانکه به دیدار ما امید ندارند می‌گویند قرآن دیگری جز این بیاور یا آن را عوض کن بگو مرا نرسد که آن را از پیش خود عوض کنم جز آنچه را که به من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم اگر پروردگارم را نافرمانی کنم از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم».

در اینجا نیز جهان زیرشمول اشاره‌ای مبتنی بر ایجاد نقل قول مستقیم عنوان شده است. خداوند در این آیه نقل قول کافران را به صورت بهانه مطرح شده در دل جهان اصلی آورده است و این جهان مشخصاتی دارد که با مشخصات جهان اصلی متمایز است. در واقع جهان متنی قرآن از در هم‌کنشی میان دو جهان شکل گرفته است و اصل دعوت به گفتگو که از لوازم قران و ایجاد ساختاری چند بعدی و دموکراتیک است (فضل‌الله، ۱۹۹۲: ۲۶) به ایجاد این جهان انجامیده است. مهم‌تر اینکه جهان متن خداوند از ساحت تک‌بعدی فراتر رفته و به سمت ثبت صداها و و جهان‌های متکثر سوق پیدا کرده است. در آیه زیر بار دیگر صدای قوم کافران پیرامون موضوع دیگر مطرح شده است: (وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ) (یونس: ۱۸)؛ ترجمه: «و به جای خدا چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان می‌رساند و نه به آنان سود می‌دهد و می‌گویند اینها نزد خدا شفاعتگران ما هستند بگو آیا خدا را به چیزی که در آسمانها و در زمین

نمی‌داند آگاه می‌گردانید او پاك و برتر است از آنچه [با وی] شریك می‌سازند».

بیان باور کافران و بت‌پرستان با استفاده از نقل‌قول مستقیم آمده است که جهت دیدگاه آنها در سوره مشخص گردد و به همان مقدار نادرستی و بطلان باور آنها مشخص می‌شود. این نقل قول با ساخت جهانی متفاوت دیدگاه منحصر به فرد کافران را به صورت زنده و اصیل گزارش می‌دهد و سبب می‌شود خط تعیین مشخصی برای تفکیک و ارزیابی جهان‌ها برای مخاطب بدست آید. قرآن کریم بی هیچ واهمه‌ای این جهان‌ها را برای مخاطب ارائه داده است و از تکثر این جهان‌ها می‌توان به جهان راستین دست یافت.

دومین مؤلفه‌ای که سبب ایجاد جهان زیرشمول اشاره می‌شود مربوط به شگرد گذشته‌نگر و آینده‌نگر است. در واقع، هرگونه عقب‌گرد و جلورفت زمانی در ایجاد این جهان دخیل است؛ در این راستا، «هر گاه یک شرکت‌کننده گفتمان، یک جهان جزئی ایجاد کند که با پارامترهای فضایی و زمانی جهان گفتمان مطابقت ندارد، مشارکت آنها لازم است که یک ساختار جدید اشاره‌ای که در آن (orogo) از مفهوم خود در اینجا و حال تغییر کرده، مفهومی‌سازی کند» (Gavins, 2007: 42). به طور کلی، اشاره به زمان، مکان و گفتار دیگری به ساخت جهان‌های فرعی و ثانویه می‌انجامد.

در روایت سوره یونس، استفاده از تکنیک‌های پس‌روی و پیش‌روی زمانی، نقش کلیدی در بازنمایی مفاهیم و پیوند دادن وقایع به زیرجهان‌های مختلف ایفا می‌کند. از جمله این موارد زمانی است که خداوند از وقوع روز رستاخیز سخن می‌گوید، موضوعی که زمان را به دوره‌ای فراتر در آینده می‌برد. خداوند می‌فرماید: (وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاؤُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاؤُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ) (یونس: ۲۸)؛ ترجمه: «و [یاد کن] روزی را که همه آنان را گرد می‌آوریم آنگاه به کسانی که شرك ورزیده‌اند می‌گوییم شما و شریکانتان بر جای خود باشید پس میان آنها جدایی می‌افکنیم و شریکان آنان می‌گویند در حقیقت شما ما را نمی‌پرستیدید».

زمان روایت و جهان اصلی همان زمانی است که انسان‌ها در آن قرار دارند و به انجام کارهای نیک و بد مشغولند. جهان فرعی ارائه شده در ضمن آن سرای محشر است که در آن اتفاقاتی فراتر از جهان اصلی رخ می‌دهد. در واقع هر جهان مشخصه‌ای دارد و خداوند برای تأثیرگذاری پیام‌های قرآنی و آگاهی مردم از آینده و سرنوشتی که در انتظار آنهاست از جهان زیرشمول اشاره‌ای بهره گرفته است. یا در آیه زیر که این شگرد بواسطه عقب‌رفت زمانی صورت گرفته است: (بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ) (یونس: ۳۹)؛ ترجمه: «بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تاویل آن برایشان نیامده است کسانی [هم] که پیش از آنان بودند همین گونه [پیامبرانشان را] تکذیب کردند پس بنگر که فرجام ستمگران چگونه بوده است».

در اینجا جهان اشاره‌ای با عقب‌رفت زمانی صورت گرفته تا مسیر هدایت مردم را به شکل دیگر پیش ببرد. زیرا این جهان یعنی جهان ستمگران که مربوط به زمان گذشته و دوره‌ای غیر از دوره کنونی است نقشی عبرت‌آموزانه در هدایت آدمیان و سرنوشت آنها دارد و سبب می‌شود تا آنها به تناظر آینده احتمالی با آینده حتمی ستمگران دست یابند و به تلاش برای بازسازی هویت و آینده خود بپردازند. این شگرد از جهان زیرشمول اشاره‌ای با توجه به ارتباط سوره مکی در رابطه به سرگذشت پیامبران و مستکبران و تلاش برای ترسیم آینده به فراوانی به کار رفته است. مثلا در دو آیه زیر خداوند می‌فرماید: (ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى

قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ/ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ) (یونس ۷۴-۷۵)؛ ترجمه: «آنگاه پس از وی رسولانی را به سوی قومشان برانگیختیم و آنان دلایل آشکار برایشان آوردند ولی ایشان بر آن نبودند که به چیزی که قبلا آن را دروغ شمرده بودند ایمان بیاورند این گونه ما بر دلهای تجاوزکاران مهر می‌نهیم/ سپس بعد از آنان موسی و هارون را با آیات خود به سوی فرعون و سران [قوم] وی فرستادیم و[لی آنان] گردنکشی کردند و گروهی تبهکار بودند».

همانطور که مشهود است خداوند با استفاده از صیغه نقل داستان، زمان را به عقب برده و از فرستادن پیامبران و کارهای آنها برای هدایت مردم سخن گفته است. در ضمن آن خداوند با بیان نطبع علی قلوب المعتدین زمان را به حال و آینده برده است و از کنشی سخن می‌گوید که در ادامه می‌آید. و خداوند از مهر زدن بر دلهای تجاوزکاران که با فعل مضارع که بر حال و آینده دلالت می‌کند (فراستخواه، ۱۳۷۶: ۹۰) سخن گفته و زمان دوباره به آینده رفته است. سپس پرده‌ای دیگر از قصه پیامبران و اشاره به داستان موسی و هارون و نزاع آنها با فرعون شده است. با این شگرد جهان‌های فرعی و ثانویه با استفاده از جلورفت و عقب‌رفت زمانی صورت گرفته و پیام‌های الهی مرتبط با هدایت انسان‌ها تکمیل شده است. این جهان‌ها نقش مهمی در انتقال گفتمان الهی و آگاهی از شرایط انسان نه در بستر یک جهان بلکه در بستر دیگر جهان‌های موازی و فرعی ایفا کرده است.

### ۳. ۲. جهان زیرشمول نگرشی

دومین جهان زیرشمول نظریه جهان گفتمان، جهان نگرشی نام دارد. این جهان شامل جایگزینی آرزو، باور یا هدف شخصیت‌ها به صورت جهان‌های آرزو، جهان‌های باور و جهان‌های هدف است. جهان نگرشی بر پایه آرزو به واسطه گزاره-هایی مانند آرزو کردن یک چیز، خواستن چیزی، یا خواب دیدن و رویا دیدن و مفاهیم مشابه ایجاد می‌شود. در وجه دوم جهان نگرشی بر پایه باور به واسطه گزاره‌هایی مانند باور کردن، دانستن و فکر کردن معرفی می‌شود. جهان‌های هدف به قصد شرکت‌کنندگان و شخصیت‌ها مربوط است، بدون در نظر گرفتن کنشی که انجام می‌دهند؛ مانند قول دادن، تهدید کردن، عرضه کردن و درخواست کردن (استاک‌ول، ۱۳۹۳: ۱۴). بدیهی است که چنین گزاره‌هایی، جهان دیگری در بستر جهان اصلی داستان ایجاد می‌کند و انگیزها و کارکردهای معنایی مشخصی را القا می‌کند که بسته به نوع متن، نوع گفتمان حاکم بسامد کاربرد و معانی پنهان در تغییر و نوسان خواهد بود.

جهان زیرشمول نگرشی در انواع مختلف خود بسامد بالایی در سوره یونس دارند. خداوند در این سوره مکی که غالباً پیرامون احکام و قوانین الهی است از صیغه‌های چون خواستن برای ساخت این جهان استفاده کرده است. سوره در صدد بیان خواسته‌های الهی جهت تبیین گوشه‌هایی از اعجاز خداوند است. لذا این صیغه برای ساخت جهان نگرشی مبتنی بر باور با برجستگی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا خواسته‌ها به عنوان اصلی‌ترین ابزار ساخت جهان نگرشی به کار رفته و با تأکید بر اراده الهی که فوق همه اراده‌ها است، به ساخت جهان فرعی مبتنی بر اراده الهی می-پردازد. مثلاً در آیه زیر خداوند می‌فرماید: (وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ) (یونس: ۹۹)؛ ترجمه: «و اگر پروردگار تو می‌خواست قطعا هر که در زمین است همه آنها یکسر ایمان می‌آوردند پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که بگروند».

در اینجا از دریچه فعل شاء به معنای خواستن جهان نگرشی مبتنی بر آرزو در ضمن جهان اصلی باز شده است. این

جهان در صدد بیان وجهی از معجزات الهی است که بر توانایی خداوند در انجام امور به ظاهر ناممکن دارد و «اصل امکان ناممکن» (بدوی، ۱۹۷۷: ۳۴۸) در قاموس الهی را تداعی می‌کند. محتوای این جهان فرعی ایمان آوردن تمامی آدمیان روی زمین است و با محتوای جهان اصلی یعنی عدم ایمان آوردن تمامی آدمیان متفاوت است. به همین علت، این جهان متمایز است و برای بیان معجزه و قدرت الهی مؤثر است و قرآن برای تکوین قدرت فائقه الهی از این شگرد بهره گرفته است. در آیه زیر نیز این صیغه برای ساخت جهان به کار رفته است: (قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ) (یونس: ۱۶) «بگو اگر خدا می‌خواست آن را بر شما نمی‌خواندم و [خدا] شما را بدان آگاه نمی‌گردانید قطعا پیش از [آوردن] آن روزگاری در میان شما به سر برده ام آیا فکر نمی‌کنید».

در این آیه نیز مخاطب شاهد دو جهان در هم تنیده است، جهان اصلی و جهان زیرشمول نگرشی مبتنی بر آرزو که بر پایه صیغه خواستن شکل گرفته است؛ در این جهان عدم نزول قرآن در صورت اراده الهی عنوان شده است که با جهان اصلی یعنی نزول قرآن برای مردم متفاوت است. خدواند در این آیه به انسانها منت نهاده که قرآن عظیم‌الشأن را برای آنها نازل کرده تا آنها را به مسیر راستی هدایت کند، نزولی که اگر خدا می‌خواست ممکن بود اتفاق نیافتد و مردم در گمراهی باقی بماند. این جهان حالت‌های مختلفی برای انسان ترسیم کرده تا او با مقایسه میان جهان آنها، ارزش آنچه در مقابل او قرار گرفته را بداند. در واقع قرآن در پاسخ به چالش‌هایی که کفار برای قرآن مطرح کرده‌اند، به ساخت این جهان‌ها پرداخته تا ذهن انسان را قادر به ساخت تصوراتی از تجربه کند که زبان‌شناسان آن را ساخت زبان‌مند می‌نامند (وهابیان، ۱۴۰۰: ۱۵۱) و در نتیجه مخاطبان با فرض این تجربه بدن‌مند به نادرستی عقاید خود دست می‌یابند.

جهان زیرشمول مبتنی بر باور نیز با توجه به ارتباط سوره یونس با اعتقادات و باورهای مهم دینی در چندین جایگاه به کار رفته و خداوند از صیغه‌های چون دانستن، باور کردن و غیره برای ساخت این جهان استفاده کرده است. در واقع در موارد مختلفی این جهان برای تشریح ابعاد مختلف اعتقادی مردم و موقعیت‌های که انسان پیشین با آن روبرو بوده می‌پردازد و این شگرد موجب رهایی متن از جهان تک‌بعدی می‌گردد و جهان‌های مختلف پیرامون آن را شرح می‌دهد. به عنوان مثال در آیه زیر دسته‌بندی انسان‌ها بر پایه این نگرش صورت گرفته است: (وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ) (یونس: ۴۰)؛ ترجمه: «و برخی از مردم به قرآن ایمان می‌آورند و برخی ایمان نمی‌آورند، و خدای تو حال تبهکاران را بهتر می‌داند».

در اینجا باور گروه‌های مختلف بیان شده و به طور آشکار دو باور که هر یک جهان نگرشی خاص خود را القاء می‌کند به کار رفته است. در واقع جهان فرعی دوگانه‌ای مطرح شده که یکی اصلی و دیگری غیر اصلی است و تعیین اصل بر اساس خط مشی قرآن صورت می‌گردد. خداوند از جهان فکری تبهکاران نیز سخن گفته است و اندیشه و سرنوشتی که برای آنها متناسب به عقیده‌شان در نظر گرفته بیان می‌کند و این یکی از ابزارها و اهداف قصه‌گوهایی موجز در قرآن است (قناد، ۱۳۸۹: ۱۳). قصه‌هایی که در شکل‌گیری جهان‌های متکثر نقش مهمی دارد. در آیه زیر این جهان به شکل دیگری منعکس شده است: (وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ) (یونس: ۹۳)؛ ترجمه: «و محققا ما بنی اسرائیل را (پس از هلاک دشمنان) به مقام صدق (و منزل آسایش) مسکن دادیم و از نعمتهای پاکیزه (در ملک شام و مصر) روزی آنها کردیم، و همیشه بنی اسرائیل (در ایمان به رسول خاتم) اتفاق داشتند تا زمانی که آن رسول با قرآن آسمانی برای هدایت آنها آمد

آن‌گاه آغاز اختلاف کردند) و رسالت پیغمبر بزرگ را از عناد و لجاج منکر شدند. ای رسول ما) خدای تو روز قیامت میان آنها در آنچه اختلاف می‌کردند حکم خواهد کرد».

در این آیه شریفه موقعیت اصلی وضعیتی است که خداوند برای بنی اسرائیل در نظر گرفته است. تشریح این وضعیت به طور مستمر ادامه پیدا نمی‌کند و در نتیجه جهان زیرشمول نگرشی که فاعلان آن بنی‌اسرائیل هستند طرح می‌شود. این جهان با استفاده از صیغه «جاءهُم العلم» آمده است و باور بنی‌اسرائیل را بیان کرده است. باوری که نتیجه آن عناد و مخالف با پیام‌آور قرآن است. این جهان سبب پویایی متن شده است که در مقابل جهان اصلی خداوند قرار دارد و سبب تصادم جهان‌ها شده است. یک جهان همان جهان پیامبران است و جهان دیگر جهان کفار است. در واقع جهان فرعی یک حالت جدیدی را ایجاد کرده و مخاطب را وارد عرصه دیگری کشانده است که با مشخصات جهان اول یعنی ناز و نعمت پروردگار دور است، اما وجوه گوناگون را نشان می‌دهد.

جهان‌های زیرشمول مبتنی بر هدف در بخش‌های مختلفی از سوره یونس بیان شده است. خداوند در این سوره مکی که بخش بزرگی از آن مربوط به تفسیر آفرینش و رفتارشناسی از انبیا و کافران است از این جهان بهره گرفته است تا تصویری هدفمند و مشخص از پدیده‌ها ارائه دهد. در نمونه زیر کاربست جهان ریرشمول مبتنی بر هدف برای تفسیر چرایی خلق خورشید و ماه بیان شده است: (هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ) (یونس: ۵)؛ ترجمه: «اوست کسی که خورشید را روشنایی بخشید و ماه را تابان کرد و برای آن منزلهایی معین کرد تا شماره سالها و حساب را بدانید خدا اینها را جز به حق نیافریده است نشانه ها[ی خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کند».

در اینجا از جمله «لتعلموا...» جهان زیرشمول نگرشی گشوده شده است و به تبیین چیزی می‌پردازد که قبل از آن آمده است. در نتیجه عناصری که بیان شده با اصل اقناع‌سازی ترمیم یافته و این فرایند سبب تکثّر جهان‌های زیرشمول گشته تا نگرش پشت پرده پدیده‌ها را شرح دهد. یا در نمونه زیر این جهان بار دیگر به کار رفته است: (وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ) (یونس، ۸۸)؛ ترجمه: «و موسی گفت پروردگارا تو به فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیور و اموال داده ای پروردگارا تا [خلق را] از راه تو گمراه کنند پروردگارا اموالشان را نابود کن و آنان را دل‌سخت گردان که ایمان نیاورند تا عذاب دردناك را ببینند».

در اینجا در دو مرتبه جهان زیرشمول مبتنی بر هدف به کار رفته است. مرحله اول زمانی است که هدف گمراه کردن مردم توسط فرعون است که او با داشتن زر و زیور چنین هدفی را پیش می‌برد. در مورد دوم درخواست پیامبر از خداوند است مبنی بر اینکه فرعونیان را دلسخت گرداند با این هدف که آنها ایمان نیاورند و عذاب دردناک الهی را ببینند. اهدافی که در ورای فعل و انفعالاتی قرانی گنجانده شده در شکل‌گیری این جهان و ایجاد شرایط جدید و پیشبرد فرامین الهی نقش دارد. این جهان گاهی با استفاده از فرایند درخواست کردن ایجاد شده است. درخواست کرده از خداوند، پیامبر، فرعون، ساحران و غیره. در نمونه زیر درخواست کردن از خداوند در تشکیل این جهان تأثیر گذاشته است: (وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ/ فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ) (یونس: ۸۴ ـ ۸۵)؛ ترجمه: «و موسی گفت ای قوم من اگر به خدا ایمان آورده اید و اگر اهل تسلیمید بر او توکل کنید/ پس گفتند بر خدا توکل کردیم پروردگارا ما را برای قوم ستمگر [وسیله] آزمایش قرار مده».

درخواست کردن از خداوند مبنی بر اینکه آنها یعنی گویندگان را از قوم ستمگر قرار ندهد، در این آیه یک جهان فرعی در دل جهان اصلی ایجاد کرده است. در واقع با درخواست کردن شرایط جدیدی طراحی شده است. درخواست کردن جهت روایت را تغییر می‌دهد و سبب پویایی متن می‌شود. همانطور که بیان می‌شود در جهان متن «دارای چارچوبی گفتمانی است به این معنا که دغدغه آن فقط چگونگی ساخت متن نیست، بلکه چگونگی تأثیر بافت به لحاظ تولید و دریافتی بر متنی است که آن را احاطه کرده است» (Gavins, 2007: 72). در نتیجه بافت متن یعنی گرفتار شدن در شرایطی سخت سبب ایجاد تکثر و خلق جهان زیرشمول شده است.

### ۳. ۳. جهان زیرشمول معرفت‌شناختی

سومین و آخرین جهان زیرشمول از نگاه پل‌ورث معرفت‌شناسی نام دارد که با تکیه بر سازوکارهای مبتنی بر احتمال، جهان‌هایی فرعی در ضمن جهان اصلی ایجاد می‌کند. به نقل از ورث «در نظریه جهان متن با اتکا به این ابزار می‌توان به ابعاد امکان و احتمال در متن روایی دست پیدا کرد. گزاره‌هایی همچون شاید، ممکن، محتمل و غیره در ساخت این سطح زیرین به کار می‌آید. این جهان با سناریوهای موجود فرضی، احتمالی و ممکن ساخته می‌شود» ( Werth, 1999: 216). در واقع با ایجاد جهان‌های فرضی و محتمل جهانی دیگر در بستر جهان اصلی گشوده می‌شود و به توسعه جهان اصلی کمک می‌کند. گاوینز بر این باور است که «این نشانه‌های متنی در واقع، نشانه‌ای برای اندیشه زیربنایی متن به شمار می‌آیند و از این نظر که به فرض و اندیشه‌ای نمایان در ورای متن اشاره دارد، مهم و درخور توجه است» (همان: ۲۴). در واقع سازوکارهایی که ابعاد ممکن و فرعی یک سوژه را بررسی می‌کند جهان‌زیرشمول معرفت‌شناسی نام دارد.

قرآن کریم در سوره یونس که سوره‌ای اعتقادی و از سوره‌های مکی است به رفتارشناسی انسان پرداخته است و به آگاهی از درونیات و سیر و سلوک روحی و رفتاری انسان و جهان آفرینش به کاربرد این سطح از جهان پرداخته و تلاش کرده حالت‌های محتمل و ثانویه موضوعات را بررسی کند. در واقع خداوند تلاش می‌کند با ایجاد این جهان حضور فعالانه مخاطب را در متن میسر گرداند و گفتمان الهی و قرآنی خود را توسعه دهد. مثلاً در آیه زیر حالت‌های دوگانه انسان نقد شده و جهان‌های فرعی حاکم بر تضاد رفتاری انسان مطرح شده است: (وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرٍّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (یونس: ۱۲)؛ ترجمه: «و چون انسان را آسیبی رسد ما را به پهلو خوابیده یا نشسته یا ایستاده می‌خواند و چون گرفتاریش را برطرف کنیم چنان می‌رود که گویی ما را برای گرفتاریی که به او رسیده نخوانده است این گونه برای اسرافکاران آنچه انجام می‌دادند زینت داده شده است». در تحلیل متن سوره یونس، جهان زیرشمول معرفت‌شناختی به مثابه‌ی یک نظام هستی‌شناختیِ عینی و مبتنی بر قوانین تکوینی الهی، بازنمای حقیقتی است که مستقل از ادراک و اراده انسان است و درجهان زیرشمول معرفت شناختی، ذات مقدس خداوند متعال به عنوان یک کل تدوین کننده و هستی بخش و به عنوان حقیقتی اهل مرحمت و بخشش و لطف بازنمایی شده است و در مقال در ساحت نگرشی که محدود تر از ساحت معرفت شناختی است، درکنار شناخت عمیق که لازمه آن است، گاهی انحراف سلوکی اتفاق می افتد. در این بخش از سوره برطرف شدن گرفتاری‌ها نشانی از عمل به قوانین تکوینی از سوی خداوند و بیانگر ساحت مطلق معرفت شناختی است اما در بعد

نگرشی که خاص انسان است در این سوره، گاهی ساحت نگرشی انسان که در تقابل با ساحت معرفتی خداوند، در مقام قصور و تقلیل قرار دارد، دچار کژتابی و انحراف شده و از مسیر لطف و فضل الهی خارج می شود، پس ساحت معرفت شناختی در سوره یونس بازنمایی وجودی مطلق است که سراسر رحمت است و در تقابل با ان ساحت نگرشی محدود انسان بازنمایی شده است که گاهی در پاسخ به لطف الهی، دچار انحراف می شود. بدین معنا که متن با به چالش کشیدن جهان‌های نگرشیِ محدود و خطای انسان (به عنوانِ فاعلِ شناسا)، آن‌ها را در تقابل با جهان معرفت‌شناختی مطلقِ الهی قرار می‌دهد تا فرآیند بازسازیِ نظام باورهایِ مخاطب، برای انطباق با واقعیت هستی‌شناختیِ جهان، به کمال برسد. در این بخش از سوره یونس: کشفنا عنه الضر بیانگر ساحت معرفتی ذات خداوند متعال است که فراگیر است و در همین متن عبارت: مرّش کأن لم یدعنا بازنمایی قصور و کژی ساحت نگرشی انسان در برابر حقیقت معرفتی و هستی‌گرایانه خداوند متعال است.

این آیه امکان‌پذیری یک فرضیه آشنا و رایج در میان مردم را نشان می‌دهد که نشانگر ناسپاسی و آگاهی از حالت‌های انسان در شرایط مختلف است. انسانی که اگر خداوند حالش را خوب کند به جای اینکه به سپاس و بندگی بپردازد به ناشکری و بی‌اعتنایی مجدد روی می‌آورد. در اینجا فرضیه‌ای مطرح شده که امکان تأیید حداکثری را دارد. چنین ساختی به خواننده کمک می‌کند تا از ماهیت چند بعدی انسان سر در بیاورد و رفتارهای متناقض او را در حالت‌های مختلف بسنجد. در واقع در این آیه یک ساحت و بُعد دیگر نسبت به بعد اصلی مطرح شده و جهان فرعی مبتنی بر امکان شکل گرفته است. یا در آیه زیر که خداوند می‌فرماید: (قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ) (یونس: ۱۶)؛ ترجمه: «بگو اگر خدا می‌خواست آن را بر شما نمی‌خواندم و [خدا] شما را بدان آگاه نمی‌گردانید قطعا پیش از [آوردن] آن روزگاری در میان شما به سر برده ام آیا فکر نمی‌کنید».

در این آیه یک احتمال مطرح شده است: عدم اراده خداوند بر خواندن آیاتی الهی و عدم آگاه کردن انسان؛ آنچه واقعیت دارد این است که خداوند اراده کرده تا آیات بر آنها خوانده شود و آنها از جزای اعمال و سرنوشت‌شان اگاه شوند. در واقع فرضیه اول یک نوع احتمال و جهان فرعی را در دل جهان اصلی باز می‌کند و به تبیین و اهمیت پیام الهی تأکید می‌کند که با درخواست و اراده الهی محقق شده است. در نتیجه این جهان‌گشایی و توسعه جهان اصلی است که پیام قرآن به درستی درک می‌شود. «زیرا در این چهارچوب، متن محصول درک ذهن است و تفسیرهایی که از متون ادبی صورت می‌گیرد، خود از دیگر محصول‌های درک ذهن به شمار می‌روند» (Freeman, 2000: 40). بنابراین آیه‌ای که با استفاده از اگر و احتمال به ایجاد یک جهان در بستر جهان اصلی پرداخته است و ذهن خواننده را برای دریافت حالت-های متکثر و متناظر آماده کرده است. همچنین در آیه زیر این جهان به صورت دوگانه مطرح شده است: (قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ) (یونس: ۱۰۸)؛ ترجمه: «بگو ای مردم حق از جانب پروردگارتان برای شما آمده است پس هر که هدایت یابد به سود خویش هدایت می‌یابد و هر که گمراه گردد به زیان خود گمراه می‌شود و من بر شما نگهبان نیستم».

در اینجا دو فرضیه در دل جهان اصلی ارائه شده است. خداوند این دو فرضیه را بر اساس اصل هدایت و گمراهی به عنوان دو اصل مهم در سرنوشت انسانها بیان کرده است. در فرضیه اول هدایت انسان مطرح شده که نتیجه چنین فرضیه‌ای به سود رسیدن انسان است و در فرضیه دوم گمراهی انسان مطرح شده که نتیجه این فرضیه زیان دیدن انسان است. در واقع ساخت جهان زیرشمول معرفت‌شناسی بر پایه استعاره مهم ارتباط میان تجارت و رفتار انسان است که در

آیاتی دیگر نیز به شیوه دیگر به کار رفته است. مفهوم استعاری موجود در آیه فما ربحت تجارتهم، در اینجا نیز در ساخت فرضیه‌ها مفهوم سود و زیاد از فرهنگ تجارت اقتباس شده است. زیرا «اشتراء استعاره برای استبدال است و ربح و تجارت هر دو از ملایمات مشبه به هستند لذا ترشیح محسوب می‌شوند» (خاقانی، ۱۳۷۶: ۷۵). این سوره نیز در ساخت این جهان از مفهوم سود و تجارب برای بیان حالتی که انسان در آن به دنبال هدایت است بهره گرفته است.

جهان زیرشمول معرفت‌شناسی با انسان‌شناسی و اثبات معجزه قرانی پیوند دارد. خداوند تلاش می‌کند حالت‌های مختلفی که به اثبات حقانیت خداوند و قرآن منجر می‌شود را در این سوره بگنجاند. خداوند به مخالفان اجازه سخن گفتن داده و آنها را به زورآزمایی طلبیده و فرض‌های محتمل را برای آنها در نظر گرفته است، زیرا با قراردادن جهان‌ها در جنب و مقابل هم می‌توان به جهان اصلی و مطلوب الهی دست یافت. در نمونه زیر خداوند می‌فرماید: (أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) (یونس: ۳۸)؛ ترجمه: «یا می‌گویند آن را به دروغ ساخته است بگو اگر راست می‌گویید سوره‌ای مانند آن بیاورید و هر که را جز خدا می‌توانید فرا خوانید».

در اینجا مفهوم مهم تحدّی مطرح شده است که از ابزارهای مهم قرآنی برای مقابله با مشرکان و دعوت به مبارزه و هماورد طلبیدن است. «تحدّی» در لغت به معنای مبارزه‌طلبی (فیروزآبادی، ۱۴۲۴: ۱۱۷۱) و منازعه و چالش برای غلبه است (ابن‌فارس، ۱۴۲۹: ۲۳۴). در اصطلاح نیز بدین معناست که خداوند کسانی را که با معجزه بودن *قرآن* ستیزه می‌کردند و با نبوّت پیامبر به مخالفت برمی‌خواستند، به آوردن همانند *قرآن* فرامی‌خواند (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۲۸). در نتیجه این فرایند یک جهان فرضی متناسب با این مفهوم باز شده است و آن راست گفتن مشرکان و آوردن سوره‌ای به مانند قرآن است. این یک جهان فرعی در جنب جهان اصلی یعنی راست گفتن خداوند و نزول قرآن ایجاد شده است و یک جهان موازی غیر قابل ممکن را ایجاد کرده است. در واقع در سطح زیرین متن اصلی یک جهان فرعی ایجاد شده تا بواسطه آن هماوردطلبی و اثبات حقانیت آیات الهی محقق گردد.

## ٤. نتیجه‌گیری

نتایج بدست آمده از پژوهش حاکی از آن است که جهان‌زیرشمول اشاره‌ای در دو نوع خود در سوره یونس کاربرد فراوانی دارد. تحلیل زیرجهان‌های موجود در سوره یونس نشان می‌دهد که متن با ایجاد شکاف میان دو لایه از جهان‌های ممکن، پیامی معرفت‌شناختی را منتقل می‌کند. در لایه‌ی نخست، زیرجهان‌های معرفتی به عنوان بازنمایی از واقعیتِ مطلق و دانشی که بر هستی حاکم است، عمل می‌کنند؛ جایی که گزاره‌ها بر اساس امکان‌های هستی‌شناختی و علم الهی تعریف می‌شوند و از این منظر، حقیقت واحد و تغییرناپذیر است. در مقابل، زیرجهان‌های نگرشی بازتاب‌دهنده جهان‌های ذهنی و ادراکیِ مکلفان (به‌ویژه کافران) هستند که در آن‌ها واقعیت تحت تأثیر باورها، انکار یا سوءبرداشت‌های انسانی قرار می‌گیرد. سوره یونس با قرار دادن این دو زیرجهان در تقابل، فرآیند «هدایت» را به عنوان گذار از یک زیرجهان نگرشیِ محدود و مبتنی بر گمان، به سوی یک زیرجهان معرفتیِ وسیع و مبتنی بر حقیقتِ وحی تعریف می‌کند. در واقع، تضاد میان این دو لایه، نه تنها یک تقابل معنایی، بلکه ابزاری برای ترسیم مرز میان «جهانِ غیب/حقیقت» و «جهانِ ادراکِ بشری» در ساختار کلامی سوره است و مسافت بین حق و باطل با تقابل بینش الهی و کوته نگری کافران بازنمایی شده است. مضمون قصه‌پردازانه سوره و تلاش برای تأثیرگذاری حداکثری بر مخاطب منجر به عقب‌رفت‌ها و جلورفت‌های

زمانی و استفاده از جهان فرعی گذشتگان و روز محشر شده است و جهانی متکثر و چند بعدی در سوره یونس پدید آورده است.

جهان زیرشمول نگرشی در سوره یونس کاربرد فراوانی دارد و در سه سطح جهان مبتنی بر آرزو، باور و هدف به کار رفته است. خداوند اراده الهی را برتر از همه اراده و به عنوان اصلی‌ترین عامل در شکل‌گیری جهان فرعی مبتنی بر آرزو قرار داده است و حالت‌های مختلفی که امکان تحقق آن موجب نتایج زیانباری می‌گشت طرح کرده است. همچنین در سطح باور، اعتقاد و نگرش پاره‌ای از اقوام و گروه‌ها مطرح شده است و خداوند برای ارزیابی و نقد آنان به ذکرشان در ضمن جهان اصلی پرداخته است. علاوه بر آن جهان مبتنی بر هدف برای تشریح مقاصد و چشم‌اندازه‌های برخی از مسائل مطرح شده و جهان اصلی را گسترش و کاملتر ارائه داده است.

جهان زیرشمول معرفت‌شناختی به دلیل آنکه جهان‌های فرعی خداوند بر اساس قطعیت بنا نهاده شده، حضور کمتری در سوره یونس دارند. هرچند خداوند از حالت‌های مختلف سخن گفته امکان تحقق و عدم تحقق آن می‌رود، اما در سایه معرفت الهی غالباً امکان تحقق دارد و میزان وجه احتمالی آن اندک است. خداوند غالباً در تشریح ابعاد رفتارهای انسان و چگونکی علمکرد او در موقعیت‌های مختلف از این جهان استفاده کرده است.

## ۵. منابع


- قرآن کریم

۱. ابن‌فارس، احمد (۱۴۲۹)، مقاییس اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۲. استاک‌ول، پیتر (۱۳۹۳)، درآمدی بر شعرشناسی شناختی، ترجمه: لیلا صادقی، تهران، مروارید.

۳. بدوی، عبدالرحمن (۱۹۷۷)، الافلاطونیة المحدثة عند العرب،کویت، وکالة المطبوعات.

۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، قرآن در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.

۵. خاقانی، محمد (۱۳۷۶)، جلوه‌های بلاغت در نهج‌البلاغه، قم، بنیاد نهج البلاغه.

٦. راستگو، کبری؛ و سیده فاطمه سلیمی (۱۳۹۸)، «مجاز عقلی، مجاز یا حقیقت، با رویکرد آمیختگی مفهومی در گفتمان قرآنی»، زبان و ادبیات عربی، س۱۱، ش ۱، ص ۲۵ ـ ٥٤.

۷. صادقی، لیلا (۱۴۰۰)، نقد ادبی با رویکرد شناختی، تهران، لوگوس.

۸. فراستخواه، مقصود (۱۳۷٦)، زبان قرآن، تهران، علمی و فرهنگی.

۹. فضل الله، محمدحسین (۱۹۹۲)، الحوار فی القرآن، بیروت، دار الفکر معاصر.

۱۰. فیروزآبادی، محمّد بن یعقوب (۱۴۲۴)، القاموس المحیط، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۱. قناد، صالح (۱۳۸۹)، قصه‌های قرآن، چ ۲، قم، مرکز نشر المصطفی.

۱۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

۱۳. وهابیان، بهناز (۱۴۰۰)، «بازنمایی عناصر سازندۀ جهان‌های زیرشمول در داستان، براساس رویکرد شعرشناسی شناختی: مطالعۀ موردی بوف کور»، نقد ادبی، د ۱۴، ش ۵۵، ص ۱۴۱ ـ ۱۷۷.

۱۴. همدانی، امید (۱۳۹۹)، «تکامل و کارکرد شناختی روایت تخیلی: منظری داروینیستی»، نقد و نظریه ادبی، س ۵ (۱۰)، ص ۲۵۱ ـ ۲۷۶.

15. Barcelona, A (2000), Metaphor and Metonymy at the Crossroads: A Cognitive Perspective, Berlin & New York, Mouton de Gruyter.
16. Freeman, M (2000), «Poetry and the Scope of Metaphor: Toward a Theory of Cognitive Poetics», In Metaphor & Metonymy at the Crossroads, A. Barcelona (ed), The Hague, Mouton de Gruyter, p 253-281.
17. Gavins, J (2007), Text World Theory: An Introduction, Edinburgh, Edinburgh University Press.
18. Jannidis, F (2004), Figur und Person: Beitrag zu einer historschen Narrotologie, Berlin / NewYork, de Gruyter.
19. Pinker, S (1998), How the Mind Works, London, Penguin Books.
20. Werth, P (1999), Text Worlds: Representing Conceptual Space in Discourse, London, Longman.
21. Winko, S & T. Köppe (2007), «Cognitive Poetics», In Neuere Literaturtheorien. Ed: Winko, Simone and Tilmann Köppe, p 300 – 312.